



راهکاری برای تفکر در موضوع امام زمان علیه السلام



راهکاری برای تفکر در موضوع امام زمان علیه السلام

مجموعه کتابهای
 راهکاری برای تفکر در موضوع امام زمان علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفکر سیر

(راهکاری برای تفکر در موضوع امام زمان علیه السلام)

مهدی نیلی پور



انتشارات سلسبیل

تفکر سبز

نویسنده: مهدی نیلی پور

ناشر: سلسبیل

چاپ: گنج معرفت

نوبت چاپ: اول (تابستان ۸۶)

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۷۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۰۳-۵۶-۰

مرکز پخش: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

شعبه اصفهان - تلفن: ۲۲۵۵۱۱۵-۹

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه
۹	تعریف تفکر
۱۱	ارزش تفکر
۱۳	تفکر و تذکر
۱۵	موضوع تفکر
۲۳	ریز موضوعات تفکر در موضوع امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۴	۱ - تفکر در شمایل ظاهری حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۷	جدول
۲۹	۲ - تفکر در سیره‌ی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۹	الف) سیرت دینی
۳۰	ب) سیرت خلقی
۳۰	ج) سیرت عملی
۳۱	د) سیرت انقلابی
۳۲	هـ) سیرت تربیتی
۳۲	و) سیرت مالی

۳۳(ز) سیرت اصلاحی
۳۴(ح) سیرت قضایی
۳۵جدول
۳۷۳ - تفکر در موضوع آیات و روایات مربوط به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۷جدول
۴۹۴ - تفکر در القاب زیبای حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۹برخی از اسامی و القاب حضرت
۵۱جدول
۵۳۵ - تفکر در مورد وظایف خود در دوران غیبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۵جدول
۵۷۶ - تفکر در اشعار مربوط به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۱جدول
۶۳۷ - تفکر در دعاهای مربوط به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۵جدول
۶۷۸ - تفکر در سیمای حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۱جدول
۷۳۹ - تفکر در نمادها و تمثیلات مربوط به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۹جدول
۸۱۱۰ - تفکر در صفات یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۸۴جدول
۸۷منابع

مقدمه

یکی از شگفت‌انگیزترین و پر قدرت‌ترین بخشهای وجودی انسان، بخش روح و روان و اندیشه‌ی اوست. روح و قدرت آن، قلب و گستردگی و عظمت آن و تفکر و آثار و ارزش شگفت آن، ما را بر آن می‌دارد تا روح، قلب و اندیشه را مصروف بهترین‌ها و برترین‌ها، نمائیم.

قدرت ضمیر ناخود آگاه و صحنه‌ی گسترده‌ی وجود انسان، این استعداد را دارد تا در خود به تماشای خدا بنشیند، چرا که فرموده‌اند: قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ^۱ و قَلْبُ الْمُؤْمِنِ حَرَمُ اللَّهِ^۲... افزون بر این می‌توان با استمداد از قوه‌ی اندیشیدن و ضمیر ناخود آگاه، شاهد جمال امام زمان علیه السلام و ارتباط تنگاتنگ و لذت بخش و معنوی با او بود و با پیوند با این روح بزرگ و آسمانی به دریایی از معنویت و قدرت و معرفت دست یافت. ظهور شخصی

۱. رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام / البحار، ج ۵۵، ص ۳۹

۲. رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام / البحار، ج ۶۷، ص ۲۵

و خصوصی امام زمان *ازدخاذاالله* و تشرّف و ملاقات و انس فکری و روحی به محضر او و گفتگوی محرمانه و اسرار آمیز با ایشان و آن گاه کسب قدرت و نشاط و پاکی از آن روح با عظمت امری است مقدور و شدنی.

یک تصویر ذهنی به هزاران کلمه می‌ارزد، پس از منبع بیکران روح و ضمیر ناخود آگاه خود مطالبه‌ی بهترینها را داشته باشید. آرزوهای مثبت و سازنده را در خود تقویت و تکثیر کنید و ایمان قطعی داشته باشید که به آرزوهایتان خواهید رسید.

ایمان به غیب و نیروها و انرژی‌های متراکم ملکوتی و تصمیم برای بهره‌مندی از این ذخایر لایتناهی و اتصال و ارتباط با بهترین و بزرگترین و دوست‌داشتنی‌ترین انسان، امکان ایجاد تحوّل بزرگ و از نو ساختن خویش را به ما خواهد داد. با تفکر سالم و با استفاده از سینمای ذهنی خود می‌توانید با دنیاهاى جدید آشنا و مانوس و مربوط شوید.

ما در این مقاله، ضمن معرفی ده موضوع برای اندیشیدن در موضوع بهترین و زیباترین انسان از شما دعوت می‌کنیم تا با انتخاب لحظه‌های خلوت، ارتباط خود را با او تقویت و تعمیم بخشید و دوران غیبت و انتظار را با ارتباط فکری با او شیرین‌تر و مفیدتر سازید. روح خود را از این حقیقت، روشن و شاد و سرشار کرده و به استقبال روشنائی، عشق، نور و زیبایى مطلق بروید.

مهدي نیلی پور

(جمادی الأولى - ۱۴۲۷ ه.ق)

تعریف تفکر

یکی از عالی ترین صفات انسانی، تفکر و اندیشیدن است. این صفت سرمنشأ همه ی صفات انسانی و مقوم انسانیت انسان است «الإنسانُ حیوانٌ ناطقٌ (متفکر)». حضرت علی علیه السلام در روایتی در تعریف و توصیف تفکر فرموده اند:

«الفکرُ مرآةٌ صافیةٌ؛

اندیشه، آینه‌ای زلال است.^۱

بر اساس این تعریف، اندیشه، آینه‌ای شفاف و خوش منظر برای رؤیت حقایق و واقعیات است. آینه‌ای که خداوند متعال در اختیار آحاد انسان قرار داده و تشویق و تحریض به بهره‌گیری از آن نموده است. تفکر یعنی به کار گرفتن خاطرات در مورد یک چیز.^۲ تفکر یعنی رهبری و توجیه فعالیت‌های ذهن به حلّ مسأله یا مشکلی که انسان با آن مواجه می‌شود.^۳

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۵

۲. لسان العرب

۳. روان‌شناسی یادگیری، شعاری‌نژاد

تفکر یعنی مرتب نمودن اطلاعات ذهنی برای کشف یک مجهول.^۱
تفکر، تکاپوی قلب به وسیله‌ی خاطره‌ها و تصوّر‌ها و اطلاعات ذهن
جهت ... است.^۲

اصولاً برای شکل‌گیری یک اندیشه، مراحل در ذهن طی می‌شود
که این مراحل در کتاب روان‌شناسی یادگیری^۳ چنین عنوان شده است:

۱. ایجاد انگیزه تفکر

۲. ایجاد مسئله و موضوع

۳. سازگار نمودن و انتخاب موضوع با ظرفیت فرد متفکر

۴. تمرکز بر موضوع و عادت به تفکر منظم

۵. عدم شتابزدگی در نتیجه‌گیری

۶. کشف حقایق و نتیجه‌گیری و دسترسی به راه‌آورد‌های اندیشه.

همچنین اندیشمندی دیگر در توصیف تفکر می‌گوید:

«الماس را جز در قعر زمین نمی‌توان پیدا کرد و حقایق را جز در

اعماق فکر نمی‌توان یافت.»^۴

آری با اندیشیدن، انسان می‌تواند به گوهر معارف خالص توحیدی

اخلاقی و به گوهر وجود مقدّس امام زمان علیه السلام دست یابد.

۱. شرح شمسیه، ص ۱۶

۲. روان‌شناسی یادگیری، ص ۳۵۵، شعاری نژاد

۳. همان

۴. ویکتور هوگو، روان‌شناسی پرورشی، مهدی جلالی، ص ۳۰۶

ارزش تفکر

قال الحسن عليه السلام

﴿عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ، فَإِنَّهُ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ وَمَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ﴾
بر شما باد اندیشیدن که آن زنده کننده‌ی دل شخص
بابصیرت است و کلیدهای درهای حکمت.^۱

اندیشیدن، ایجاد پل ارتباطی انسان با سایر هستی است. انسان با تفکر قادر است با خود، خدای خود، امام زمان خود و با همه‌ی طبیعت و جهان هستی ارتباط برقرار کند. گویا تفکر سیمرغی است که قادر به پرواز در همه وادیها و عرصه‌ها، از ملک تا ملکوت می‌باشد و به انسان بالندگی، حیات معنوی و توانایی و دانایی می‌بخشد. ثمرات اندیشیدن عبارت است از:

▪ قوام شخصیت

▪ پیروزی و موفقیت

▪ تیزبینی و دقت

- کیفی شدن روند زندگی
- خلاقیت
- تکثیر و تولید اطلاعات
- تقویت عقل و خرد
- تقویت عبادت و معنویت

در حدیثی از حضرت علی علیه السلام در بیان خصلتهای مؤمن آمده است:

«المؤمن دائم الذكر كثير الفكر...»؛

فرد باایمان، همیشه به یاد خداست و دارای اندیشه‌ای
همیشگی و زیاد است.^۱

حال اگر اندیشه‌ی انسان در موضوع خدا، قرآن، اخلاق و شخصیت
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام باشد، انسان در این
حالت، ترکیبی از ذکر و فکر را در هم آمیخته و با دو بال فکر و ذکر در
مسیر سیر و سلوک سریع معنوی قرار می‌گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارزش و برتری اندیشیدن که خود عبادت روح است
را بر عبادت بدنی چنین ترسیم می‌فرمودند:

«فكرة ساعة خير من عبادة سنة»؛

لحظه‌ای اندیشیدن، ارزشمندتر است از عبادت یک سال.^۲

۱. غررالحکم، ص ۸۳، ح ۱۹۵۵

۲. میزان الحکمة، ح ۱۶۲۲۲

تفکر و تذکر

یکی از فضیلت‌های اخلاقی، تفکر و دیگری تذکر است. این دو صفت در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر، تعالی بخش انسان به قلّه‌های کمال و تربیت هستند. ما در مورد خدا و امام زمان علیه السلام علاوه بر تفکر نیازمند به تذکر هم هستیم.

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب شریف چهل حدیث در تفسیر تذکر می‌فرمایند:

بدان که تذکر از نتایج تفکر است و لهذا منزل تفکر را مقدم دانسته‌اند از منزل تذکر، جناب خواجه عبدالله می‌فرماید،
﴿التَّذْكَرُ فَوْقَ التَّفْكَرِ فَإِنَّ التَّفْكَرَ طَلَبٌ وَالتَّذْكَرُ وَجُودٌ﴾

تذکر فوق تفکر است، زیرا که این طلب محبوب است و آن حصول مطلوب. تا انسان در راه طلب و دنبال جستجو است، از مطلوب محجوب است. چنانچه به وصول به محبوب از تعب تحصیل فارغ آید و قوت و کمال تذکر، بسته به قوت و کمال تفکر است و آن تفکر که نتیجه‌اش

تذکر مقام معبود است، در میزان سایر اعمال نیاید و با آنها در فضیلت، طرف مقایسه نشود. چنانچه در روایات شریفه از عبادت یک سال و شصت سال و هفتاد سال، تفکر یک ساعت را بهتر شمرده‌اند. معلوم است غایت و ثمره‌ی مهمه‌ی عبادات، حصول معارف و تذکر از معبود حق است و این خاصیت از تفکر صحیح، بهتر حاصل می‌شود. شاید تفکر یک ساعت، ابوابی از معارف به روی سالک بگشاید که عبادت هفتاد سال نگشاید، یا انسان را چنان متذکر محبوب نماید که از مشقتها و زحمتهای چندین ساله، این مطلوب حاصل نشود و بدان ای عزیز که تذکر از محبوب و به یاد معبود به سر بردن، نتیجه‌های بسیار برای عموم طبقات دارد. اما برای کمال و اولیاء و عرفاء، که خود آن غایت آمال آنهاست و در سایه‌ی آن به وصال جمال محبوب خود رسند. **هِنِيئاً لَهُمْ** و اما برای عامه و متوسطین بهترین مصلحات اخلاقی و اعمالی و ظاهری و باطنی است.^۱

همچنان که گذشت تذکر، به یاد محبوب بودن است و نتیجه‌ی آن وصال جمال محبوب و ایجاد سامان اخلاقی و تربیتی در انسان می‌باشد. حال باید علاوه بر تفکر، نسبت به امام زمان **علیه السلام** متذکر نیز باشیم، تا به نتایج شیرین و نورانی آن نایل شویم.

موضوع تفکر

یکی از مهمترین امور برای اندیشیدن مفید، مؤثر، ثمربخش و منظم، انتخاب موضوع مناسب و شایسته برای اندیشیدن است.^۱

یکی از موضوعات بسیار لازم و جذاب و نتیجه‌بخش برای اندیشیدن، زندگی شخصیتهای متعالی و انسانهای کامل است. در این خصوص موارد متعددی در قرآن به چشم می‌خورد که خداوند به پیامبرش دستور یادآوری زندگانی انسانهای بزرگ را می‌دهد مانند:

﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾^۲

﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ، إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾^۳

﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى، إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾^۴

۱. در کتاب اندیشه، آینه‌ای زلال، به دهها و صدها موضوع به استناد آیات و براهین علمی و سیره‌ی عرفا، برای اندیشیدن اشاره نموده‌ایم.

۲. مریم، ۱۶

۳. مریم، ۴۱

۴. مریم، ۵۱

و الغیبة...»^۱

در (زندگی) حضرت مهدی عجل الله فرجه مستهای [شبیهِ] مستهای
حضرات موسی، عیسی و یوسف علیهم السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله
می باشد... و اما مستی که از یوسف در آن حضرت است،
زندانی و غیبت می باشد.

همچنین حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله شِبْهًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ...
وَأَمَّا شِبْهُهُ مِنْ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ: فَالْغَيْبَةُ مِنْ خَاصَّةٍ وَ عَامَّةٍ وَ
اِخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَ إِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ علیه السلام مَعَ
قَرَبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَبِيهِ وَ أَهْلِهِ وَ شِيعَتِهِ...»^۲

قائم آل محمد صلی الله علیه و آله شباهتهایی به پنج پیامبر دارد... اما
شباهت امام زمان علیه السلام به جناب یوسف علیه السلام، یکی غیبت
حضرت یوسف است از همه مردم و پنهان شدن او از
برادرانش و نیز دشوار بودن امر حضرت یوسف بر پدرش
جناب یعقوب، با آن که فاصله‌ی میان حضرت یوسف با
پدر و برادران و خاندان و پیروانش بسیار کم بود....

در قرآن کریم، از جمله آیات مربوط به حضرت یوسف علیه السلام، آیه‌ای
است که در آن دستور به تحسین نسبت به حضرت یوسف داده است.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷

﴿ يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ
إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴾^۱

در لغت آمده است که تحسّس به معنای جستجوی از راه حس است و به معنای جستجوی خوبی‌ها و یا به دنبال زندگی انسانهای خوب، بودن است. حضرت آیت الله جوادی در تفسیر سوره‌ی یوسف می‌فرمایند: «این آیه، دستور به تحسّس نسبت به یوسف زمان داده است و در زمان غیبت امام زمان علیه السلام وظایف دوران غیبت را بر شیعیان معلوم می‌سازد. سپس می‌فرمایند: تحسّس دو قسم است: فکری و عملی. تحسّس فکری یعنی در فکر و روح و روان در جستجوی امام زمان علیه السلام بودن و تحسّس عملی یعنی صدقه دادن، دعای عهد خواندن و انجام دادن سایر وظایف عملی دوران غیبت امام زمان علیه السلام»^۲

بر این اساس، باید قصه‌ی زیبای زندگی و سیره و سیما و غیبت و ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام بر موضوع تفکر و تحسّس هر مسلمان و به ویژه جوانان خوش فکر و خلاق قرار گیرد و موضوعی زیبا و جذاب و عمیق برای اندیشیدن در لحظه‌های منظم تفکر باشد.

(ب) امام صادق علیه السلام فرمودند:

﴿ إِنْ ذَكَّرْنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، إِنَّا إِذَا ذَكَّرْنَا ذِكْرَ اللَّهِ وَ إِذَا ذَكَّرَ عَدُوَّنَا

^۱ . سوره‌ی یوسف، آیه ۸۷

^۲ . تفسیر سوره‌ی یوسف، آیه‌الله جوادی آملی

ذِكْرَ الشَّيْطَانِ

همانا یاد کردن از ما [اهل بیت]، یاد کردن خداست، هر گاه ما یاد شویم، خدا یاد شده است و هر گاه دشمن ما یاد شود، شیطان یاد شده است.^۱

شایسته است مؤمنین و جوانان پرشور و عاشق امام زمان علیه السلام که در سر، عشق و شور تکامل دارند با موضوع قرار دادن امام زمان علیه السلام به اندیشه‌ی خود رنگی ملکوتی بخشند و لحظه‌های انتظار را به لحظه‌های ارتباط تبدیل نمایند.

ج) تفکر در احوالات و شئونات مربوط به امام زمان علیه السلام در سیره‌ی عرفانی عرفاء و علمای اخلاق و در بین رهنمودهای آنان وجود داشته و دارد؛ به طور نمونه، آیت الله ملک‌تبریزی در کتاب ارزشمند المراقبات در این خصوص می‌فرماید:

﴿ثُمَّ مِنَ الْمَهْمَاتِ التَّقَرُّبُ بِإِمَامِ الزَّمَانِ وَحُجَّةِ الْعَصْرِ وَوَلِيِّ الْأُمُورِ... وَ يَتَفَكَّرُ فِي مَا فَاتَهُ مِنْ سَعَادَاتِ زَمَنِ ظَهْرِهِ وَ سُلْطَنَتِهِ وَ يَنْظُرُ إِلَى غَيْرِهِ كَيْفَ يَتَصَرَّفُونَ فِي مَلِكِهِ يَنْصَبُونَ حَقَّهُ وَ سُلْطَانَهُ وَ يَتَأْمُرُونَ عَلَى أَوْلِيَائِهِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَسُوقُونَهُمْ بِغَيْرِ عَدْلِ إِلَى أَهْوَائِهِمْ وَ يَتَأَلَّمُونَ مِنْ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ يَشْتَكُونَ عَلَى اللَّهِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ

و يدعو عن ظهر القلب واحتراقه و يطلب فرجه و يرغب إليه
ليلاً و نهاراً في أن يمن عليه بزيارة جماله و كمال طاعته و
بلوغ رضاه و الاهتداء بهداه و يتذكر في الحوادث كلها وجوده
و ظهوره و تصرفه و سلطانه و يكون في ذلك مثل من غاب
عنه أبوه قبل ولادته و لم يره و يتوقع مجيئه و توليه
لأموره؛^۱

(برای سالک إلى الله) از مهم‌ترین امور، تقرب به امام
زمان عليه السلام و حجت زمان و ولی امر است؛ ... و تفکر در آنچه
از سعادات در نتیجه‌ی عدم ظهور حضرت از دست رفته و
فوت گشته و اندیشه در احوال غاصبین حق امام زمان عليه السلام
که چگونه بر دولت او دست یافته‌اند و حق سلطنت او را
غصب نموده‌اند و بر دوستان او بدون حق فرمانروایی کرده
و دور از عدالت، آنها را به سوی هوای نفس خویش سوق
می‌دهند و از تمام اینها اظهار درد کند و از آنچه در آن واقع
شده، شکوه به سوی خدا برد و او را از عمق قلب بخواند
و نزدیکی فرج او را استدعا نماید و شب و روز مایل باشد
که خدا به واسطه‌ی زیارت آن حضرت و کمال طاعت او و
رسیدن به رضای او و کامیابی به هدایت آن بزرگوار بر او
منت گذارد و در همه‌ی حوادث وجود او و ظهور او و

تصرف و سلطنت او را به یاد آورد و در آن کیفیت، حال او مانند کسی باشد که پیش از ولادت خود، پدرش از او غایب گشته و او را ندیده است و متوقع و منتظر آمدن و حاکمیت او باشد.

همچنین در قسمتی دیگر از کتاب مراقبات، تحت عنوان مناجات با امام عصر علیه السلام می فرمایند:

«سَيِّدِي إِذَا تَفَكَّرْتُ فِي وَصَالِكَ، وَ لَذَّةِ لِقَائِكَ وَ تَأَمَّلْتُ فِي أحوال مَنْ قَرَّبْتَهُمْ مِنْ جِوَارِكَ وَ مَنَحْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَفْضَالِكَ وَ شَرَّفْتَهُمْ بِزِيَارَةِ جَمَالِكَ وَ أَكْرَمْتَهُمْ بِتَعْلِيمِكَ وَ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِسَقْيِ كَاسَاتِ التَّوْحِيدِ، وَ شَرَّفْتَهُمْ بِمَقَامِ الْجَمْعِ مَعَ أَهْلِ التَّوْحِيدِ، كَادَ أَنْ يَنْصَدِعَ قَلْبِي مِنَ الْحَسْرَةِ وَ يَنْشَقَّ فُوَادِي مِنَ الْغَيْرَةِ»

مولای من! هنگامی که به لحظه های وصال تو و لذت ملاقات با تو می اندیشم، آن هنگام که تأمل در احوال مقربان و ملازمان همجوار تو می نمایم و اندیشه از شرافت زیارت تو و آموزه های بر آنان می نمایم و آن هنگام که فکر می کنم در شراب توحیدی که به آنان می نوشانی و در محفل توحیدی خود جایشان می دهی، نزدیک است از حسرت دوری، قلبم فروپاشد و دو نیم گردد...^۱

ریز موضوعات تفکر در موضوع امام عصر علیه السلام

از آنجا که موضوع قرار دادن امام زمان علیه السلام برای تفکر عنوانی بنسب بسیار کلی، جامع و گسترده می باشد، جهت فعال شدن اندیشه در این موضوع لازم است این موضوع را به ریز موضوعاتی تقسیم و تبدیل نماییم تا با تمرکز بر هر موضوع، در زمانها و مکانهای مناسب، زمینه‌ی تحصیل دستاوردهای اندیشیدن برای ما فراهم گردد.

ما در این خصوص به ده موضوع که هر یک از موضوعات، خود دارای زیرشاخه‌ها و فروعاتی برای اندیشیدن است، اشاره می کنیم و پس از ذکر هر موضوع، جدولی را جهت ثبت زمان و مکان و موضوع و دستاوردهای تفکر ارائه می دهیم، تا با استفاده از آن، نتیجه‌ی تفکرات ثبت گشته و در آینده، سیر تکاملی این نوع اندیشیدن و فواید و نتایج آن برای مطالعه کننده قابل بررسی و ملاحظه‌ی مجدد باشد.

۱- تفکر در شمایل ظاهری حضرت مهدی علیه السلام

یکی از جذبات‌ترین اندیشه‌های معنوی و یکی از زیباترین نگارگری‌ها و تصویرسازی‌های ذهنی، اندیشه و نگارگری شمایل امام مهدی علیه السلام و اوصاف ظاهری آن حضرت در ذهن است. با این تصویرگری فکری، شمایل زیبای محبوب را همچون تابلویی زیبا، در روح و روان خود خلق می‌نماییم و ضمن لذت بردن از زیباییهای جمال یار با او مناجات می‌کنیم. در روایات درباره‌ی وصف جمال زیبای حضرت چنین آمده است:

چهره‌اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذاب، شانهاش پهن، دندانهایش براق و گشاده، بینی‌اش کشیده و زیبا، پیشانی‌اش بلند و تابنده، استخوان‌بندی‌اش استوار و صخره‌سان، دستان و انگشتانش درشت، گونه‌هایش کم‌گوشت و اندکی متمایل به زردی - که از بیداری شب عارض شده - بر گونه‌ی راستش خالی مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله‌ی گوش ریخته، اندامش متناسب و زیبا، هیئتش خوش‌منظر و رباینده، رخساره‌اش در هاله‌ای از شرم بزرگوارانه و شکوه‌مند غرق، قیافه‌اش از حشمت و شکوه رهبری سرشار، نگاهش دگرگون‌کننده، خروشش

دریاسان و فریادش همه گیر.^۱

همچنین در توصیف جمال یار در روایتی از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله

آمده است:

﴿أَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ، كَثُّ اللَّحْيَةِ، عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ؛﴾

دیدگان مبارکش سرمه کشیده، محاسن مبارکش پرمو و
بر گونه‌ی راست او خالی جذاب است.^۲

در روایتی از حضرت علی علیه السلام در توصیف شمایل حضرت

مهدی علیه السلام آمده است:

﴿الْمَهْدِيُّ أَقْبَلُ أَجْعَدُ، هُوَ صَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ وَالْجَبِينِ
الْأَزْهَرِ، صَاحِبُ الشَّامَةِ وَالْعَلَامَةِ. الْعَالِمُ الْغَيُورُ الْمَعْلَمُ
الْمُخْبِرُ بِالْآثَارِ؛﴾

مهدی، دیدگانی مشکمی، موهای پرپشت، چهره‌ای چون
ماه تابان، پیشانی باز و درخشان، خالی (بر گونه‌ی
راست) و نشانی (چون مهر نبوت در میان دو کتف) دارد.^۳

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

۱. خورشید مغرب، ص ۲۸

۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۰

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۱

«لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرْبُوعُ
الْقَامَةِ، مُدَوَّرُ الْهَامَةِ، وَاسِعُ الصَّدْرِ صَلَتْ الْجَبِينِ مَقْرُونُ
الْحَاجِبَيْنِ عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فُتَاتُ الْمِسْكِ عَلَى
رَضْرَاضَةِ الْعَنْبَرِ!»

راست قامت ولی نه درازقد، چهارشانه ولی نه کوتوله،
سیمایی گرد، سینه‌ای فراخ، پیشانی باز، ابروانی به هم
رسیده، خالی بر گونه‌ی راست چون دانه‌ی مشک که بر
قطعه‌ی عنبر سائیده.^۱

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۲- تفکر در سیره‌ی امام مهدی علیه السلام

یکی از شاخه‌های تفکر در موضوع امام عصر علیه السلام، اندیشیدن در سیره‌ی مبارک حضرت با این اهداف و انگیزه‌ها است:

۱. شناخت بیشتر اسلوب و متد حضرت در عرصه‌های گوناگون
 ۲. شناخت شیوه‌های غیرمهدوی با مقایسه قرار دادن آن با سیره‌ی مهدوی
 ۳. ایجاد آمادگی در الگوگیری از متدها و روشهای حاکم بر زندگی حضرت در خود و جامعه
 ۴. زمینه‌سازی و ترویج سیره‌ی زیبای حضرت در ابعاد گوناگون
- سیره‌ی مبارک حضرت مهدی علیه السلام در ابعاد گوناگون قابل بررسی است که به چند نمونه از آنها با الهام از کتاب خورشید مغرب به طور مختصر اشاره می‌کنیم:

الف) سیرت دینی

مهدی علیه السلام در برابر خداوند و جلال خداوند، فروتن است، بسیار فروتن، همچون عقاب، به هنگامی که بال خویش فروگشاید، و سر به زیر انداخته، از اوج آسمان فرو آید. مهدی علیه السلام در برابر جلال خداوند اینسان خاشع و فروتن است. خدا و عظمت خدا، در وجود او متجلی است و همهی هستی او را در خود فروبرده است.

مهدی علیه السلام عادل است و خجسته و پاکیزه. او ذره‌ای از حق را فرونگذارد. خداوند دین اسلام را به دست او عزیز گرداند... مهدی علیه السلام همواره بیم خداوند را به دل دارد و به مقام تقریبی که نزد خدا دارد مغرور نشود. او به دنیا دل نبندد و سنگی روی سنگ نگذارد. در حکومت او، به احدی بدی نرسد، مگر آنجا که حدّ خدایی جاری گردد.

(ب) سیرت خلقی

مهدی علیه السلام، صاحب حشمت و سکینه و وقار است. مهدی علیه السلام جامه‌هایی درشتناک پوشد و نان جو خورد. علم و حلم مهدی علیه السلام از همه‌ی مردمان بیشتر است. مهدی، همان پیغمبر (محمد) و خلق او، خلق محمدی علیه السلام است. مهدی علیه السلام در جهان، با مشعل فروزان هدایت سیر کند و چونان صالحان بریزد.

(ج) سیرت عملی

به هنگام رستاخیز مهدی علیه السلام آنچه هست، دوستی و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب آن دیگری بردارد بی هیچ ممانعتی. در زمان مهدی علیه السلام مؤمنان در معاملات از یکدیگر سود نگیرند. کینه‌ها از دل بیرون رود و همه‌جا را آسایش و امنیت فراگیرد.

مهدی علیه السلام در رفتار چنان است که گویی با دست خود، کره و عسل

به دهان مسکینان می‌نهد. مهدی علیه السلام چونان امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی کند. نان خشک بخورد و با پارسایی بزید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ، جَوَاداً بِالْمَالِ، رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ»^۱

علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید (و دقیق) است و دست بخشنده‌ای دارد و نسبت به مسکینان مهربان است.

د) سیرت انقلابی

مهدی علیه السلام حق هر حقداری را بگیرد و به او بدهد. حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد و به صاحب حق بازگرداند. چون مهدی قیام کند، جزیه برداشته می‌شود و غیرمسلمانی نماند. او مردم را با شمشیر به دین خدا دعوت کند، هر کس نپذیرد، گردن زند و هر کس را سرکشی کند، خرد سازد. مهدی علیه السلام وارد شهر کوفه شود و هر منافق و شک‌باوری را بکشد و گناخها را ویران سازد و ارتش مستقر در آنجا را از دم تیغ

بگذرانند. این چنین، ظَلَمَة (ستمگران) و أعوان ظلمه (یاران ستمگران) را بی دریغ بکشد تا خدا راضی شود و خشنود گردد. مهدی علیه السلام مانع الزکاة (کسانی که زکات نمی دهند) را بکشد. زانی مُخَصِن (شوهردار) را نیز بدون طلب شاهد، رجم (سنگسار) کند.

هـ) سیرت تربیتی

در زمان حکومت مهدی علیه السلام به همه ی مردم، حکمت و علم بیاموزند تا آنجا که زنان در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر، قضاوت کنند. در آن روزگار، قدرت عقلی توده ها تمرکز یابد. مهدی علیه السلام به تأیید الهی، خرده های مردمان را به کمال رساند و در همگان فرزاندگی پدید آورد. در روزگار ظهور دولت مهدی علیه السلام، عیب و آفت از شیعه برطرف گردد و دل های آنان چون پاره های پولاد شود. یک مرد، به نیرو، چون چهل مرد باشد و حکومت و سروری روی زمین به دست آنان افتد.

و) سیرت مالی

همه ی اموال جهان، در نزد مهدی علیه السلام گرد آید. آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین. آنگاه مهدی به مردمان بگوید: «بیایید و این اموال را بگیرید! اینها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آنها، قطع رحم کردید و خویشان خود را رنجاندید و خونهای به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید. بیایید و بگیرید!»

پس دست عطا گشاید چنان که تا آن روز کسی آنچنان بخشش اموال نکرده باشد. در زمان مهدی علیه السلام زمین محصول بسیار دهد و مال و خواسته همی خرمن شود. هر کس نزد مهدی علیه السلام آید و گوید: «به من مالی بده» مهدی بی درنگ بگوید: «بگیر». مهدی علیه السلام اموال را به صورت مساوی میان همگان تقسیم کند و کسی را بر کسی امتیاز ندهد.

(ز) سیرت اصلاحی

مهدی علیه السلام فریادرسی است که خداوند او را بفرستد تا به فریاد مردم عالم برسد. در روزگار او همگان، به رفاه و آسایش و وفور نعمتی بی مانند دست یابند. حتی چهارپایان فراوان گردند و بار دیگر جانوران، خوش و آسوده باشند. زمین گیاهان بسیار رویاند. آب نهرها فراوان شود. گنجها و دفینه‌های زمین و دیگر معادن استخراج گردد. در جهان، جای ویرانی نماند مگر آن که مهدی علیه السلام آنجا را آباد سازد. یاران قائم علیه السلام به سراسر جهان پانهند و همه جا قدرت را در دست گیرند. همه کس و همه چیز مطیع آنان شوند، حتی درندگان صحرا و مرغان شکاری، همه و همه رضا و خشنودی آنان را بطلبند. شادی و شادمانی یافتن به این پیام‌آوران دین و صلاح و عدالت تا بدانجاست که قطعه‌ای از زمین بر قطعه‌ای دیگر مباحثات کند که یکی از یاران مهدی علیه السلام بر آنجا پانهادم است.

ح) سیرت قضایی

در قضاوتها و احکام مهدی علیه السلام و در حکومت وی، سر سوزنی ظلم و بیداد بر کسی نرود و رنجی بر دلی ننشیند. مهدی علیه السلام بر طبق احکام خالص دینی (بدون توجه به آراء و افکار دیگران و فقها و علمای مذاهب) حکم و حکومت کند.

مهدی علیه السلام، میزان عدل را در میان مردم نهد و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری ستمی کند.

در روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند:

وقتی قائم آل محمد علیه السلام قیام کند مانند داود و سلیمان علیهم السلام داور می کند (یعنی) شاهد و گواه طلب نمی کند.^۱

^۱ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۲۴۷

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۳- تفکر در آیات و روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام

در بین آیات قرآن کریم و روایات، دهها آیه و روایت مستقیم و یا غیرمستقیم در توصیف حضرت بقیه الله علیه السلام آمده است. با موضوع قرار دادن این آیات و روایات برای اندیشیدن، هم به توصیه و درخواست قرآن که دعوت به تفکر و تدبر به خود داشته، عمل نموده‌ایم آنجا که می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ...﴾^۱ و هم با نور قرآن به نور ولایت و شخصیت امام زمان علیه السلام دست یافته‌ایم تا نور علی نور شده باشد.

در اینجا ما از میان آیات المهدی علیه السلام تنها به ذکر ۸ نمونه از آیات با موضوع مهدویت جهت تفکر و اندیشیدن شما می‌پردازیم که البته عمده‌ی این آیات با استمداد از روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین گردیده است:

(۱) ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«و قوله ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ﴾ قال: الكُتُبُ كُلُّهَا ذِكْرٌ قَالَ: وَ ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ الْقَائِمُ علیه السلام وَ أَصْحَابُهُ»

مراد از کلمه‌ی «ذکر» در ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا...﴾ همه‌ی کتابهای [پیامبران] است و مراد از ﴿أَنَّ الْأَرْضَ...﴾ قائم علیه السلام و یاران او می‌باشد.

از روایت بالا استفاده می‌شود که این وعده‌ی الهی در همه‌ی کتابهای آسمانی بیان شده است.^۲

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. مجمع البیان، ج ۴، ذیل آیه

(۲) ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

و می‌خواهیم بر کسانی که در آن سرزمین، فرودست شده
بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و
ایشان را وارث [زمین] کنیم.

این آیه، بشارتی است برای همه‌ی حق‌پرستان و عدالت‌خواهان، که
حکومت ظلم و جور دایمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج‌دیدگان
خواهد بود. بیشتر از هر چیز دیگر، این آیه، به حکومت جهانی و انقلاب
نورانی حضرت مهدی علیه السلام مربوط می‌شود و قیام امام زمان علیه السلام مصداق
کامل و تمام آن قرار می‌گیرد. امام علی علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمود:

﴿هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يَذِلُّ
عَدُوَّهُمْ﴾^۲

این افراد، خاندان پیامبرند که خداوند بعد از رنج و
مشقت این خاندان، مهدی آنان را برانگیزاند و به آنان
عزت می‌دهد و دشمنان را خوار و ذلیل می‌سازد.

۱. قصص، ۵

۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۸۴

(۳) ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ
الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

بدانید که خدا، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. به
راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد
که بیندیشید.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

﴿يُخَيِّبُهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ عليه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا، يَعْنِي بِمَوْتِهَا:
كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرِ مَيِّتٍ﴾^۲

خدای متعال، زمین را به وسیله‌ی قائم علیه السلام زنده می‌کند،
پس از آنکه مرده باشد و مقصود از مردن آن، کفر اهل
زمین است و کافر، همان مرده است.

شیخ کلینی (ره) از امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند ﴿اعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهُ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ نقل می‌کند که حضرت فرمودند: ﴿الْعَدْلُ
بَعْدَ الْجَوْرِ﴾^۳ یعنی بعد از فراگیر شدن ظلم و ستم، عدالت را جهانی
می‌کند.

۱. حدید، ۱۷

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۵۸، ح ۲

۳. اصول کافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۶۷، ح ۳۹۰

(۴) ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ
فَأُولَئِكَ يَفْرَهُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۱

(یاد کن) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان
فرامی خوانیم. پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش
دهند، آنان کارنامه‌ی خود را می‌خوانند و به قدر نخ هسته‌ی
خرمایی به آنان ستم نمی‌شود.

کلینی (ره) از فضیل بن یسار نقل می‌کند:

از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ
أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ پرسیدم. حضرت فرمود: ای فضیل! امامت
را بشناس. پس به درستی که اگر امامت را شناختی به تو
ضرر نمی‌رسد که این امر (زمان فرج و قیام) جلو بیفتد یا
به تأخیر. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام
صاحب الامر از دنیا برود، مانند کسی است که در لشکر
حضرت قرار دارد. نه، بلکه مثل کسی است که در زیر
پرچم آن حضرت باشد.^۲

۱. اسراء، ۷۱

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱

(۵) ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ

بِحَفِيفٍ﴾^۱

ذخیره‌ی خدا، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید و من
نگهبان شما نیستم.

کلینی (ره) در روایتی نقل می‌کند:

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به قائم به (لفظ)

امیرالمؤمنین سلام گفته می‌شود؟ حضرت فرمود: نه، این

اسمی است که خدا به این اسم امام علی علیه السلام را نامیده

است. کسی قبل از او به این نام نامیده نشده و بعد از او نیز

نامیده نمی‌شود مگر کافر. گفتم: فدای شما بشوم! چگونه

بر او سلام گفته می‌شود، حضرت فرمودند: می‌گویند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ» سپس حضرت این آیه را خواند:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲

(۶) ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ

زَهُوقًا﴾^۳

بگو حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره

۱. هود، ۸۶

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۱

۳. اسراء، ۸۱

نابودشدنی است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام در تفسیر قول خداوند متعال ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ آمده است که حضرت فرمودند:

﴿إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ﴾^۱

هنگامی که قائم ما قیام کند، دولت باطل از بین می‌رود.

(۷) ﴿سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ

لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾^۲

به زودی نشانه‌های خود را در آفاق و در دل‌های آنان،

بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود

حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت، خود شاهد هر

چیزی است؟

در روایات متعددی از حق، به قیام و خروج امام مهدی علیه السلام تأویل

شده است. ابوبصیر می‌گوید:

قُلْتُ لَهُ (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام): ﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾

قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَرَاهُ الْخَلْقُ

۱. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۸۷

۲. فصلت، ۵۳

لَا بُدَّ مِنْهُ^۱

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: [مراد خداوند از] ﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ چیست؟ فرمود: خروج قائم حقی است از طرف خداوند، خلق او را می بینند و چاره‌ای از آن نیست.

(۸) ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۲

او کسی است که پیامبر خود را به قصد هدایت، با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه‌بودنِ خدا کفایت می‌کند.

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

رَسُولَهُ...﴾ پرسیدم، فرمود:

﴿وَاللَّهُ! مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ

۱. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۸۱

۲. فتح، ۲۸

فَاكْسِرْنِي وَاقْتُلْنِي^۱

قسم به خدا! هنوز تاویل آن نیامده و تاویل آن نمی آید تا این که قائم علیه السلام خروج کند. پس هنگامی که قائم علیه السلام خروج کرد، کافری به خدا و مشرکی به امام باقی نمی ماند؛ مگر این که خروج او کراهت دارد و حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی پنهان شده باشد، آن سنگ می گوید: ای مؤمن! درون من کافری هست؛ مرا بشکن و او را بکش.

برخی از نتایج تفکر در این آیات عبارت است از:

۱. اندیشه‌ی مهدویت، ریشه‌ی عمیق قرآنی دارد.
۲. پیروزی حتمی و مطلق از آن نیروهای حق می باشد.
۳. دولتها و مظاهر باطل موقتی و نابودشدنی اند.
۴. شناخت امام زمان علیه السلام واجب است.
۵. لقب بقیة الله برای امام زمان علیه السلام یک لقب قرآنی است.
۶. ...
۷. ...

البته در منابع و مآخذ بسیاری آیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام گردآوری شده است که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، تألیف و نشر مؤسسه معارف

۴- تفکر در القاب زیبای حضرت مهدی علیه السلام

اسامی و القاب امام زمان علیه السلام، معرف صفات و کمالات ذاتی و شخصیتی و زیبایی‌های روحی ایشان می‌باشد. در آیات و روایات و اسناد تاریخی، برای امام عصر علیه السلام دهها لقب و نام آورده شده است که هر یک به زاویه و بُعدی از شخصیت و صفات حضرت اشاره دارد. برای انس با حضرت بقیه الله علیه السلام می‌توان در لحظه‌های خلوت و اندیشیدن، این القاب و اسامی زیبا را تکرار کرد و معنای آن را به قلب و روح تلقین نمود تا صفای روحی دوچندان و عشق و محبت و معرفت به ایشان در وجودمان پایدارتر و راسخ‌تر گردد.

برخی از اسامی و القاب حضرت:

۴-۱. ربیع الانام (بهار انسانها)

با توجه به این لقب، ما ابتدا در فصل بهار و مشخصات بهار مانند: حیات بخش بودن، نسیم فرح بخش آن، باران روح بخش آن، رویش گل‌های بهاری آن، هوای معتدل آن، تراکم و تکثیر علایم حیات و زندگی در آن می‌اندیشیم و سپس با تطبیق فصل بهار بر امام زمان علیه السلام و ایام ظهور حضرت و برکات وجودی ایشان، شروع به نتیجه‌گیری می‌نماییم.

- ۲-۴. نضرة الايام (سبزی روزگاران)
- ۳-۴. فارس الحجاز (سوارکار حجاز)
- ۴-۴. سفينة النجاة (کشتی نجات بخش)
- ۵-۴. رحمة الواسعه (مهر گسترده)
- ۶-۴. مسیح المسیحیا (مسیح همهی مسیح‌ها)
- ۷-۴. باب الله (راه ورود به خدا)
- ۸-۴. داعی الله و ربّانی آیاته (دعوت کننده به سوی خدا و پرورش
دهنده نشانه‌های خدایی)
- ۹-۴. صاحب الزّمان (اختیاردار زمان)
- ۱۰-۴. وجه الله (روی خدا)
- ۱۱-۴. مأمول (آرزو شده، هدف آرزوها و آمال قرار گرفته)
- ۱۲-۴. أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى (آرزوی هر قلب مشتاق آرزومند)
- ۱۳-۴. منتقم (انتقام گیرنده)
- ۱۴-۴. فجر (انفجار نور در تاریکی)^۱

۱. لازم به ذکر است که در کتاب شریف نجم الثاقب به ۱۸۲ عدد از اسماء و القاب و کنیه‌های آن حضرت و وجه تسمیة آنها اشاره شده است. صص ۵۵ - ۱۳۲.

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۵- تفکر در مورد وظایف خود در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام

یکی از اقسام تفکر، تفکر عملی است. تفکر عملی به این معنی است که انسان در طول شبانه روز، مجموعه وظایف و مسؤولیتهای خود را در جدولی قرار داده و مورد نظارت و مراقبت برای عمل نمودن قرار دهد و در صورت کوتاهی، جبران خطا نماید.

همه‌ی ما در برابر امام زمان علیه السلام مجموعه‌ای از وظایف را به عهده داریم که باید به طور منظم خود را مورد ارزیابی قرار داده و با تفکر و محاسبه از خود، تلاش در انجام و ارتقاء کمی و کیفی وظایف خود نسبت به امام زمان علیه السلام داشته باشیم. در کتاب شریف مکیال المکارم^۱، ۸۰ وظیفه برای شیعه در قبال امام زمان علیه السلام شمرده شده است که ما فهرست مختصری از آن وظایف را ذکر می‌کنیم:

۱. انتظار فرج و ظهور آن حضرت و دعا برای تعجیل در فرج
۲. ذکر مناقب و فضایل آن حضرت برای دیگران
۳. درخواست معرفت آن حضرت از خداوند
۴. صدقه دادن به نیابت از آن حضرت و جهت سلامتی آن حضرت
۵. اهتمام ورزیدن به یاری آن حضرت

۶. دعوت نمودن مردم به سوی آن حضرت

۷. رعایت حقوق آن حضرت و مواظبت بر ادای آنها

۸. مقدم داشتن خواسته‌ی آن حضرت بر خواسته‌های خود و دیگران

۹. بزرگداشت اماکنی که به قدم آن حضرت زینت یافته است.

۱۰. گریستن در مصیبت امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و اقامه‌ی عزرا

و مجالس مربوط به اهل بیت علیهم السلام.

۱۱. درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

۱۲. احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت

۱۳. دوست داشتن آن حضرت و محبوب نمودن ایشان بین مردم

۱۴. گریستن در فراق حضرت

۱۵. تجدید بیعت با آن حضرت، پس از نمازها، هر روز و هر جمعه

۱۶. خشنود نمودن شیعیان و دوستان آن حضرت با کمک مالی

۱۷. زیارت نمودن آن حضرت و صلوات و سلام فرستادن بر او

۱۸. پرهیز از تعیین نمودن وقت ظهور

۱۹. ایجاد آمادگی رزمی و نظامی و اخلاقی در خود و دیگران

۲۰. درخواست حضور در رکاب حضرت پس از مرگ (رجعت)

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۶- تفکر در اشعار مربوط به حضرت مهدی علیه السلام

یکی از موضوعات اندیشیدن، تفکر بر مجموعه‌های منظوم و اشعاری است که به عشق امام غایب گفته شده است. از آنجا که این اشعار از روح‌های پاک صادر گشته و در مهرورزی با بهترین و شایسته‌ترین انسان سروده شده است، می‌تواند یکی از بهترین مواد برای تفکر قرار گیرد.

نمونه‌هایی از اشعار سروده شده در وصف حضرت ولی عصر علیه السلام حضورتان عرضه می‌گردد.

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود
این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند
غمزه را سر می‌دهد، غم از دل و جان می‌رود
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
محفل از نور رخ او نورافشان می‌شود
هر چه غیر از ذکر یار، از یاد یاران می‌رود
ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
وعده‌ی دیدار نزدیک است یاران مژده باد
روز وصلش می‌رسد، ایام هجران می‌رود

امروز امیر در میخانه تویی تو
 مرغ دل ما را که به کس رام نگرده
 ویرانه بود هر دو جهان نزد خردمند
 در کعبه و بتخانه بگشتیم بسی ما
 فریادرس این دل دیوانه تویی تو
 آرام تویی دام تویی دانه تویی تو
 گنجی که نهان است به ویرانه تویی تو
 دیدیم که در کعبه و بتخانه تویی تو
 بخشی از سروده‌ی ملا محسن فیض کاشانی

خوشا دردی که درمانش تو باشی
 خوشا چشمی که رخسار تو بیند
 خوشا آن دل که دلدارش تو باشی
 خوشی و خرمی و کامرانی
 خوشا راهی که پایانش تو باشی
 خوشا ملکی که سلطانش تو باشی
 خوشا جانی که جانانش تو باشی
 کسی دارد که خواهانش تو باشی
 بخشی از سروده‌ی عراقی

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است
 گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است
 گفتم که از که پرسم، جانا نشان کویست
 گفتا نشان چه پرسی؟ آن کوی بی نشان است
 گفتم مرا غم تو، خوشتر ز شادمانی
 گفتا که در ره ما، غم نیز شادمانی است
 گفتم که سوخت جانم، از آتش نهانم
 گفت آنکه سوخت او را، کی ناله یا فغان است
 گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی
 گفتم نفس همین است گفتا سخن همان است
 گفتم که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما
 گفتم غمم بیفزا گفتا که رایگان است
 گفتم ز فیض بپذیر این نیم جان که دارد
 گفتا نگاه دارش، غمخانه‌ی تو جان است
 فیض کاشانی

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی
چه شود تو را که من هم برسم به آرزویی
به کسی جمال خود را ننموده‌ای و بینم
همه جا به هر زبانی بوداز تو گفتگویی
غم و درد و رنج و محنت، همه مستعد قلم
تو پُبر سر از تن من، بپر از میانه گویی
به ره تو بس که نالم، ز غم تو بس که جویم
شده‌ام ز ناله نالی، شده‌ام ز مویه مویی
همه خوشدل این که مطرب، بزند به تار چنگی
من از این خوشم که چنگی بزنم به تار مویی
چه شود که راه یابد، سوی آب تشنه کامی
چه شود که کام جوید، ز لب تو کام جویی
شود این که از ترحم، دمی از سحاب رحمت
من خشک‌لب هم آخر، ز تو تر کنم گلویی
بشکست اگر دل من به فدای چشم مستت
سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی
همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا
تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی
رضوانی

لازم به ذکر است که در وادی شعر، در خصوص حضرت ولی
عصر علیه السلام کتابهای بسیاری به زبان عربی یا فارسی نوشته شده است که،
ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- الصاحیبه (میرزا آقا ابن الشیخ جعفر ابن میرزا آقا طهرانی نجفی)
- عنقاء المغرب فی بیان المهدی الموعود و وزرائه (محمی الدین عربی)

- الفوز و الأمان فی مدح صاحب الزّمان (شیخ بهایی)
 - ملحمة الازریه (شیخ کاظم الازری)
 - منظومه فی احوال صاحب الزّمان (سید عبدالله بن الشیخ ناصر بن احمد آل ابی السعود الخطی)
 - آواز انتظار (مجموعه‌ی شعر از شاعران گوناگون) زیر نظر جواد محقق
 - اشک فراق (به کوشش محسن حافظی)
 - آه عاشقان در انتظار موعود (گردآوری استاد محمدعلی مجاهدی)
 - نوای فراق (مهندس علی اصغر یونسیان)
- همچنین در کتاب «در جستجوی قائم» اثر حجة الاسلام سید مجید پور طباطبائی، ۶۷ کتاب مشتمل بر اشعار فارسی و عربی پیرامون شخصیت حضرت ولی عصر علیه السلام معرفی شده است.
- لازم به ذکر است که مطالعه‌ی کتاب سیمای مهدی موعود علیه السلام در آینه‌ی شعر فارسی اثر استاد محمدعلی مجاهدی در این خصوص سودمند می‌باشد.

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۷- تفکر در دعاهای مربوط به حضرت مهدی علیه السلام

یکی از منابع علمی برای کاوش و اندیشیدن، دعاها و زیارتهایی است که از حضرت صادر گشته و یا در موضوع حضرت وارد شده است. در کتاب صحیفه مهدیه^۱، مجموعه‌ای از این ادعیه و زیارات جمع آوری شده که به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم.

- اندیشیدن در دعای «اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ...» و دقت در معانی آن
- تفکر در دعای «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ...»
- دعای «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ...»
- اندیشیدن در محتوای دعای ندبه و سیر تاریخی حرکت انبیاء در آن

- تفکر در دعای افتتاح
- اندیشیدن در دعای عهد و چگونگی عمل نمودن محتوای آن در زندگی خود

- اندیشیدن در دعای معرفت در زمان غیبت
- اندیشیدن در معانی زیارت آل یاسین
- تفکر در زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه

^۱. مؤلف سید مرتضی مجتهدی.

▪ خواندن و اندیشیدن در معانی زیارت ناحیه‌ی مقدسه

▪ دعای فرج ﴿اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ...﴾

مثالی برای تفکر در معانی دعای ندبه: الف) تلاش برای فهم حقایق این دعا، ب) بررسی و تحلیل آیات و روایات اقتباس شده در این دعا، ج) دقت در سیر تاریخی حرکت انبیا و اولیا در دعای ندبه د) دقت و تفکر در معانی عبارتهایی که دلالت بر انتظار می‌کند، یعنی جمله‌هایی که با «این» شروع شده است، ها) تفکر در این که ما چه مقدار آمادگی برای کمک به امام زمان علیه السلام برای رخداد ظهور داریم.

لازم به ذکر است شایسته است محبین امام زمان علیه السلام در هر جمعه‌ای که موفق به خواندن دعای ندبه می‌شوند، به گوشه‌ای از حقایق و معارف آن بیندیشند، تا ذکر امام زمان علیه السلام با فکر همراه گشته و نتایج آن چندین برابر شود.

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ اور د اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۸ - تفکر در سیمای حکومت حضرت مهدی علیه السلام

یکی از دورانهای طلایی تاریخ تمدن بشری، دوران ظهور امام عصر و زمان حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام است. در این دوره که دوره‌ی عدالت، امنیت و دیانت مطلقه است، همه‌ی روابط انسانی متعادل و متکامل است. این قطعه‌ی تاریخ، قطعه‌ای روشن و از زیباترین دوره‌های تاریخ است. تصور و تخیل و تفکر بر این قطعه‌ی تاریخی و مشخصات آن، شوق انتظار را در ما تقویت می‌نماید و تلاش ما را برای زمینه‌سازی و سربازی حضرت تقویت خواهد نمود.

آیت الله ملکی تبریزی در کتاب ارزشمند المراقبات در موضوع اندیشیدن بر احوالات و برکات عهد ظهور امام عصر علیه السلام می‌فرمایند:

أَنْظُرُ إِلَى مَا وَرَدَ فِي الْأَخْبَارِ مِنْ بَرَكَاتِ زَمَنِ حُضُورِهِ وَأَنْوَارِهِ
وَنَشْرِ الْعَدْلِ وَطَيِّ الْجُورِ وَالْبَغْيِ وَعِزَّةِ الْإِسْلَامِ وَحُرْمَةِ
الْقُرْآنِ وَرَوَاجِ الْإِيمَانِ وَتَكْمِيلِ الْعُقُولِ وَتَزْكِيَةِ الْقُلُوبِ وَ
تَحْسِينِ الْأَخْلَاقِ وَرَفْعِ الشَّقَاقِ وَدَفْعِ النِّفَاقِ. فَنَادَهُ بِعَالِي
صَوْتِكَ وَاعْرَضَ بِلِسَانِ شَوْقِكَ إِلَى مَقْدَسِ حَضْرَتِهِ ﴿هَلْ
الْيَكَّ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلُ فِتْلَقِي، مَتَى يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِهِ
فَنَحْظِي، مَتَى نَرِدُ مِنْهَا لَكَ الرَّوِيَّةَ فَنُرَوِي، مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ
مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَوْلَايَ يَا سَيْدِي مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَ

قَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرَى مَوْلَايَ، مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ فَتَقْرَ
عِيُونَنَا بِزِيَارَتِكَ وَ نَهْتَدِي بِهَدَاكَ فَتَخْبِرْنَا عَمَّا أَشْكَلَ عَلَيْنَا مِنْ
حَقَائِقِ الْأُمُورِ وَ تَنْحَلُّ بِكَ الْعَوِيصَاتِ وَ يَرْتَفِعُ بِكَ الْجَهَالَاتِ وَ
يَتَمُّ بِكَ الْكَمَالَاتِ؛

تفکر نما به آنچه که در روایات اهل بیت علیهم السلام از برکات
زمان حضور حضرت و انوار او و نشر عدل و دادخواهی و
محو شدن جور و ظلم و ستم و عزت اسلام و حرمت
قرآن و رواج پیدا کردن ایمان و کامل شدن عقلهای انسانها
و تزکیه‌ی قلبها و نیکو شدن اخلاق و رفع جدایی و دفع
نفاق و دورویی، آمده است پس بخوان و صدا بزن او را
با صدای بلند و با زبان شوق خود به ساحت مقدس
حضرت عرضه بدار «آیا ای فرزند احمد علیه السلام راهی برای
ملاقات با تو هست؟ چه زمانی روزگار ما به زمان ظهور
شما متصل می‌شود تا از تو بهره ببریم. کی می‌شود که وارد
شویم بر چشمه‌های سیراب کننده و سیراب شویم،؟! کی
می‌شود که از آب زلال وجودت نفع ببریم (چرا که)
طولانی شده است زمان تشنگی،؟! مولای من و ای آقای
من، کی می‌شود که تو ما را و ما تو را بینیم و (حال
آنکه) تو پرچم پیروزی را برافراشته باشی،؟! مولای من،
کی می‌شود که تو ما را و ما تو را بینیم و چشمان ما
روشن شود به زیارتت و هدایت شویم به هدایت تو؟! پس
شما ما را از حقایق اموری که بر ما دشوار شده است آگاه

ساز چرا که به سبب شما مشکلات و پیچیدگیها برطرف می شود و به سبب شما نادانیها مرتفع می گردد و به وسیله ی شما کمالات اتمام می پذیرد.^۱

در اینجا به مصادیقی از سیمای حکومت حضرت اشاره می کنیم:
۱. امنیت

در کمال الدین روایت است از امام صادق علیه السلام که فرموده در تفسیر آیه ی شریفه ی «سِرُّوا فِيهَا لَيْالِي وَ اَيَّاماً اَمِنِينَ»^۲ که مراد، قائم ما اهل بیت است. یعنی در عهد آن حضرت هر کس در شب و روز به هر جا رود ایمن و محفوظ است.

در ارشاد شیخ مفید روایت است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: هر گاه قائم علیه السلام خروج کرد، حکم می کند به عدل و در ایام او جور مرتفع می شود و به سبب او راهها ایمن می شود و زمین برکات خود را بیرون می آورد و هر حقی به سوی اهل آن حق برمی گردد و اهل دینی باقی نمی ماند مگر آنکه اظهار اسلام کند و به ایمان اعتراف کند.^۳

۲. رفتن عاهات و بلاها از ابدان انصار آن حضرت علیه السلام

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هر کس در ک ک کند قائم اهل بیت مرا، از هر عاهتی و آفتی شفا خواهد یافت و از هر ضعفی قوی خواهد شد.^۴

۱. المراقبات / ص ۱۷۹

۲. سیأ، ۱۸

۳. نجم الثاقب، ۱۷۷

۴. همان، ۱۶۶

۳. قوی شدن اصحاب آن حضرت ﷺ

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آن جناب دست خود را بر سر عباد بگذارد، پس مؤمنی نماند مگر آن که دلش سخت‌تر از پاره‌ی آهن شود و خداوند به او قوت چهل مرد را بدهد.^۱

۴. ظاهر شدن گنجها و ذخایر زمین با ظهور آن حضرت ﷺ

در کمال الدین آمده است که خداوند در شب معراج به پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از برای او یعنی حضرت قائم علیه السلام ظاهر می‌کنم گنجها و ذخیره‌ها را به مشیت خود.^۲

۵. زیاد شدن نعمات الهی

زیاد شدن باران و گیاه و درختان و میوه‌ها و سایر نعم ارضیه به نحوی که مغایرت پیدا کند حالت زمین در آن وقت با حالت آن در اوقات دیگر و راست آید قول خدای تعالی در سوره‌ی ابراهیم آیه‌ی ۴۸ که می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾.

۶. رفتن وحشت و نفرت از میان حیوانات

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اگر قائم ما خروج کند، صلح می‌شود در میان درندگان و بهایم تا اینکه زن، راه می‌رود میان عراق و شام و پای خود را نمی‌گذارد مگر بر گیاه و بر سر او زینتها است. او را درنده‌ای به هیجان نمی‌آورد و نمی‌ترساند.»^۳

۱. نجم الثاقب، ۱۶۷

۲. همان، ۱۵۸

۳. همان، ۱۵۶

ماه	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راه آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۹- تفکر در نمادها و تمثیلات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام

یکی از راههای تربیتی و یکی از روشهای آموزشی، تعلیم آموزه‌های دینی با ذکر نمادها و تمثیلات است. در بین روایات و آیات قرآنی نمادها (سمبل‌ها) و تمثیلات و تشبیهاتی در مورد امام زمان علیه السلام وجود دارد که می‌تواند منبع اندیشیدن و سرمایه‌ای برای تفکر و الهام‌گیری باشد که ما به برخی از این تشبیهات که در خصوص امام زمان علیه السلام است، اشاره می‌کنیم:

۱. بئر معطله

﴿فَكَأَيُّ مَنٍ ... وَ بَيْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ﴾^۱

...چه بسیار چاه (پرآب) متروکه و چه بسا قصرهای بلند (و محکمی که بی‌ساکن و مخروبه شده است).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از «بئر معطله»، - یعنی چاه پرآبی که تعطیل مانده و از آن بهره‌برداری نمی‌شود - در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَ بَيْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ﴾ حضرت مهدی علیه السلام است.^۲

۲. ماء معین^۱

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؛ «بگو اگر دیدید که آب مورد نیاز شما ناپدید شد و در زمین فرو رفت، چه کسی برای شما آب گوارا بیاورد.» فرمودند: این آیه در شأن حضرت قائم عجل الله فرجه است.^۲

۳. نور

قال الكاظم علیه السلام: ﴿الإمامةُ هي النُّورُ و ذلك قوله عزَّ و جلَّ: ﴿آمِنُوا

بالله ورسوله و النُّور الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ قال: النُّورُ هُوَ الْإِمَامُ...»؛

امامت، نور و روشنایی است، همان که خدای عزوجل فرموده: «به خدا و پیامبر او و نوری که فرودستادیم ایمان آورید.» فرمود: نور همان امام است.^۳

۴. خورشید پشت ابر

قال المهدي علیه السلام: ﴿أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِبِي فِي غَيْبَتِي

فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتِهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ...﴾^۴

چگونگی بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبتم، همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آنگاه که در پس ابر باشد.

۱. ملک، ۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

۳. میزان الحکمه، ح ۸۰۱.

۴. پیشین، ح ۱۲۲۲.

۵. طاووس اهل بهشت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «المهدى طاووسُ أهلِ الجنة»^۱

مهدی علیه السلام، زیباترین اهل بهشت است.

۶. امام، پدر مهربان

قال الرضا عليه السلام: «الامام، الولدُ الشَّفِيقُ»^۲

امام، پدری مهربان است.

۷. امام، همچون کعبه

قال ابو عبد الله عليه السلام: «و نحنُ كعبَةُ اللهِ وَ نحنُ قِبْلَةُ اللهِ»^۳

امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت، کعبه‌ی خدایم و ماییم قبله‌ی خدا.

۸. خورشید غربی

در توصیف حضرت بقیه‌الله علیه السلام در روایات چنین آمده است:

«و هو الشمس الطالعة من مغربها»^۴

او همچون خورشید تابنده و فروزانی است که از مغرب طلوع کرده است.

۱. منتخب الاثر، ص ۱۴۷

۲. تحف العقول، ص ۷۹۸

۳. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۱

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹

۹. بدر منیر

قال الرضا عليه السلام: «الإمامُ البدرُ المنيرُ و السراجُ الزاهرُ و النُّورُ الطالعُ و النّجمُ الهادي في غياباتِ الدُّجى و الدليلُ على الهدى و المنجى من الردى»^۱

امام، ماه درخشنده و چراغ پرتو افکن و روشنایی تابنده و ستاره‌ی راهنما در ناپیدایی شبهای ظلمانی و راهنمای هدایت و نجات‌بخش از تباهی است.

۱۰. شعله‌ی فروزنده

قال الرضا عليه السلام: «الإمامُ النارُ على اليفاع، الحارُّ لمن اصطفى و الدليلُ في المهالك من فارقه فهالك»^۲

امام، شعله‌ی فروزنده بر تپه و گرمی‌ده بر سرمازده و راهنمای در مهلکه‌ها است و هر آن کس که از آن جدا گردد نابود گردد.

۱۱. ابر باران‌زا

قال الرضا عليه السلام: «الامام، السحابُ الماطر»^۳

امام، ابری باران‌زا می‌باشد.

۱. تحف العقول، ص ۷۹۶

۲. پیشین

۳. تحف العقول، ص ۷۹۸

۱۲. باران پیوسته

قال الرضا عليه السلام: «الامام الغيثُ الهاطلُ»^۱

امام، بارانی پیوسته می باشد.

۱۳. آسمان سایه گستر

قال الرضا عليه السلام: «الامام، السماءُ الظليَّةُ»^۲

امام، آسمان سایه گستر است.

۱۴. چشمه‌ی جوشان

قال الرضا عليه السلام: «الامام، العينُ الغزيرةُ»^۳

امام، چشمه‌ای جوشان است.

۱۵. امام، امینی دوست

قال الرضا عليه السلام: «الامام، الأمينُ الرفيقُ»^۴

امام، رفیق امین است.

۱۶. امام، برادری بی نظیر

قال الرضا عليه السلام: «الامام الأخ الشَّقِيقُ»^۵

۱. تحف العقول، ص ۷۹۸

۲. پیشین

۳. پیشین

۴. پیشین

۵. پیشین

امام، برادری بی نظیر است.

۱۷. امام، همچون مادری دلسوز

قال الرضا عليه السلام: «الامام كالأمُّ البِرةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ»^۱

امام، همانند مادری دلسوزِ فرزندِ خردسال خویش است.

۱۸. امام، برکه و گلستان

قال الرضا عليه السلام: «الامام، الغديرُ و الروضة»^۲

امام، برکه و گلستان است.

۱۹. ملکه‌ی زنبورِ عسل

قال رسول الله ﷺ: «يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي

النَّحْلُ إِلَى يَغْسُوبِهَا»^۳

امتِ اسلامی به مهدی عليه السلام مهر می‌ورزند و به سویش پناه

می‌برند، آنچنان که زنبورانِ عسل به سوی ملکه‌ی خود

پناه می‌برند.

۱. تحف العقول، ص ۷۹۸

۲. پیشین، ص ۷۹۸

۳. منتخب الأثر، ص ۲۷۸

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہ آورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

۱۰- تفکر در صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام

رخداد ظهور و تأسیس دولت کریمه‌ی مهدوی علیه السلام در نتیجه‌ی فداکاری مردان و زنان صالح و مصلح خواهد بود که به امامت و رهبری حضرت بقیه‌الله علیه السلام هر یک نقشی اساسی و حیاتی را ایفا می‌نمایند. این زنان و مردان به خاطر احراز صفاتی ویژه به این توفیق بزرگ دست می‌یابند.

زمینه‌سازان ظهور همچون اصحاب حضرتش باید دارای صفات اخلاقی و شخصیتی مثبت و کمالات اصحاب باشند و با تلاش تربیتی خود را به آنان نزدیک کنند. به همین دلیل تفکر در صفات یاران امام عصر علیه السلام منتظران ظهور را آماده‌تر برای سربازی و فداکاری می‌سازد. صفات یاران و زمینه‌سازان حکومت حضرت مهدی علیه السلام در روایات این‌گونه بیان شده است:

قال الصادق علیه السلام:

﴿وَرِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ، لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا. لَا يَقْضُونَ بِرَايَاتِهِمْ بَلْدَةً إِلَّا خَرَبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعِقْبَانَ، يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِجِ الْإِمَامِ علیه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَ

يَحْفُونَ بِهِ، يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ. رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيٍّ النَّحْلِ، يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى اطْرَافِهِمْ، وَ يَصْبَحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، نُيُوثٌ بِالنَّهَارِ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا، كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ الْقَنَادِيلُ وَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. شِعَارُهُمْ: يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ. إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّغْبُ أَمَامَهُمْ، مَسِيرَةَ شَهْرِ، يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى أَرْسَالاً، بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ^۱

... یاران مهدی علیه السلام: ۱- مردانی اند پولاددل، و ۲- همه‌ی وجودشان یقین به خدا، ۳- مردانی سخت‌تر از صخره‌ها. ۴- اگر به کوه‌ها روی آرند، آنها را از جای برکنند، ۵- درفش پیروزگر آنان به هر شهر و پایتختی روی نهد، آنجا را به سقوط وادار می‌سازد. ۶- گویی آن مردان عقابان تیزچنگالند که بر مرکبها سوار شده‌اند. ۷- این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ، ۸- برای تبرک و فرخندگی، دست خویش به زین اسب امام می‌کشند، و بدینسان تبرک

می طلبند. ۹- آنان او را در میان می گیرند و جان خویش را در جنگها پناه او می سازند ۱۰- و هر چه را اشاره کند، با جان و دل انجام می دهند. ۱۱- این شیراوژنان، به شب هنگام نخواستند ۱۲- و زمزمه‌ی قرآن و مناجات خویش، چون صدای زنبوران عسل، در هم اندازند و تا بامداد به عبادت خدای بایستند ۱۳- و بامدادان سوار بر مرکبها باشند. آنانند راهبان شب و شیران روز ۱۴- و آنانند گوش به فرمانان امام خویش، ۱۵- و چنان چون مشعلهای فروزانند و دل‌های منور آنان، بسان قندیل‌های نور در سینه‌هایشان آویخته است. ۱۶- این مردان، تنها از خدا می ترسند ۱۷- و فریاد لا اله الا الله [و الله اکبر] آنان بلند است ۱۸- و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. ۱۹- شعار آنان «یا لثارات الحسین» - بیاید به طلب خون حسین و یاران حسین - است. ۲۰- به هر سوی روی آورند، ترس از آنان پیشاپیش در دل مردمان افتد (و تاب مقاومت از همه بگیرد). ۲۱- این خداجویان، دسته دسته، به سوی خداوند (یا امام) خویش روی می آورند و خدا به دست آنان، امام حق را یاری می کند.

ماہ	ساعت اندیشیدن	مکان اندیشیدن	موضوع اندیشیدن	راہورد اندیشیدن
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲۴				
۲۵				
۲۶				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی
- لسان العرب، علامه ابن منظور
- روان‌شناسی یادگیری، شعاری‌نژاد
- روان‌شناسی پرورشی، مهدی جلالی
- شرح شمسیه، نجم‌الدین عمر بن علی قزوینی
- مجمع البیان، علامه طبرسی (ره)
- غرر الحکم، عبدالواحد آمدی (ره)
- میزان الحکمه، استاد محمدی ری‌شهری
- چهل حدیث، امام خمینی (ره)
- کمال‌الدین، شیخ صدوق (ره)
- اصول کافی، شیخ کلینی (ره)
- المراقبات، جواد ملکی تبریزی (ره)
- خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی
- کشف الغمّة، علی بن عیسیٰ اربلی
- بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)

- الامام المهدي عليه السلام، سيد محمد كاظم قزوینی
- المهدي الموعود عليه السلام، شيخ نجم الدين جعفر بن محمد عسگری
- الغيبة، شيخ طوسی (ره)
- صحيفة المهدي عليه السلام، سيد مرتضى مجتهدی
- نجم الثاقب، ميرزا حسين طبرسی نوری (ره)
- تفسير قمی، علی ابن ابراهيم ابن هاشم قمی (ره)
- منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی
- تحف العقول، محدث بحرانی (ره)
- أعلام الدین، حسن بن أبي الحسن ديلمی
- تفسير سورہی يوسف عليه السلام، آية الله جوادى آملی
- اثبات الهداة، شيخ حرّ عاملی
- مكیال المكارم، مرحوم آية الله سيد موسوی اصفهانی (ره)
- دیوان حضرت امام خمینی (ره)
- دیوان فیض کاشانی
- دیوان عراقی